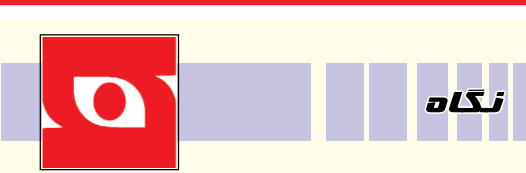


چراغ سبز آمریکا به ژاپن برای ساخت زیر دریایی اتمی!

واشنگتن با چراغ سبز به توکیو برای حرکت به سمت زیر دریایی‌های هسته‌ای، رقابت تسلیحاتی در شرق آسیا را وارد مرحله‌ای جدید می‌کند.

دولت ژاپن با چراغ سبز آمریکا، بررسی گزینه دستیابی به زیر دریایی‌های هسته‌ای را در دستور کار قرار داده، اقدامی که می‌تواند یکی از مهم‌ترین تغییرات در سیاست امنیتی توکیو باشد.
شینجیرو کوبوچی، وزیر دفاع ژاپن، پس از دریافت مواضع مثبت از مقام‌های نیروی دریایی آمریکا اعلام کرد توکیو گزینه

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۵
۲۲ ربيع الثانی ۱۴۴۸
۱۴ سپتامبر ۲۰۲۶
شماره ۲۲۴۳۴



هشداري که کسی به آن گوش نداد!

امین‌الاسلام تهرانی در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۳ شهریور ۱۳۸۰)، تنها سه روز پس از حملات ۱۱ سپتامبر، کنگره آمریکا با رأی تقریباً اجماعی سنسنا (۹۸ در برابر صفر) و مجلس نمایندگان (۴۲۰ در برابر یک) مجوز استفاده از نیروی نظامی (AUMF) را تصویب کرد.

این سند کوتاه و مبهم به رئیس‌جمهور اختیار می‌داد «تمام نیروی لازم و مناسب» را علیه هر کشور، سازمان یا فردی که به تشخیص خود او در برنامه‌ریزی، حمایت یا پناه دادن به عاملان حملات دست داشته باشد، به کار گیرد. همین چند سطر، بدون محدودیت زمانی، جغرافیایی یا هدف مشخص، به مبنای قانونی دو دهه جنگ و مداخله تبدیل شد که غرب آسیا را به میدان آزمایش قدرت نظامی آمریکا بدل کرد.

اندای رسمی واشنگتن این بود که هدف، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از تکرار حملاتی مشابه ۱۱ سپتامبر است. اما واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که این مجوز به ابزاری گسترش نفوذ نظامی، کنترل منابع و بازآرایی ژئوپلیتیک منطقه تبدیل شد. از همان روزهای نخست، زبان این سند چنان گشوده بود که هر دولتی بتواند آن را به هر گروهی که مطلوبش نبود، تعمیم دهد. تنها یک نماینده، رابرتا رای، به این خطر اشاره کرد و هشدار داد که این مجوز «چک سفید برای جنگ دائمی» است؛ هشداري که تاریخ به‌سرعت صحت آن را ثابت کرد.

کمتر از یک ماه بعد، در ۱۷اکتبر ۲۰۰۱ (مهر ۱۳۸۰)، عملیات نظامی آمریکا در افغانستان آغاز شد. طالبان که هیچ نقشی در طراحی حملات ۱۱ سپتامبر نداشتند، به پناهانه پناهن دادن به القاعده هدف قرار گرفتند در واقع، سال‌ها مردم افغانستان در شاکستن درگیری‌های آمریکا با طالبان گرفتار شدند. آن‌چه در ظاهر «عملیات علیه تروریسم» خوانده می‌شد، به اشغال بی‌سنساله یک کشور فقیر انجامید. هزاران غیرنظامی افغان در بمباران‌ها کشته شدند؛ زیرساخت‌ها نابود شد. در نهایت، آمریکا در ۲۰۲۱ با شکست کامل خارج شد. در حالی که طالبان دوباره قدرت را به دست گرفتند. نتیجه عملی این «مبارزه با تروریسم»، ویرانی یک جامعه و تقویت همان نیروهای بود که قرار بود نابود شوند.

اما دامنه این مجوز به افغانستان محدود نماند. دولت بوش به‌سرعت آن را به پهنانه‌ای باری حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ (اسفند ۱۳۸۱) / فروردین ۱۳۸۲) تبدیل کرد. در هچند کنگره باری عراق مجوز جدانگانه‌ای هم صادر کرده بود. اندک‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط صدام با القاعده به‌سرعت بی‌پایه از آب درآمد. آن‌چه باقی ماند، اشغال یک کشور، فروپاشی ساختار دولتی، کشتار ده‌ها هزار عراقی و ظهور گروه‌های افراطی جدیدی بود که پیش از آن وجود نداشتند. «جنگ علیه تروریسم» عملاً تروریسم را در مقیاس وسیع‌تر ی تولید کرد.

در سال‌های بعد، دولت‌های اوباما، ترامپ و بایدن نیز همین AUMF (۲۰۰۱ را می‌بنا عملیات در یمن، سومالی، لیبی، سوریه، پاکستان و چندین کشور دیگر قرار دادند. گروه‌هایی که حتی در زمان تصویب این مجوز وجود نداشتند، مانند داعش، زیر پوششی «فره‌سای مرتبط با القاعده» هدف قرار گرفتند و راه رسید، اما هزینه واقعی را مردم منطقه پرداختند. جامعه‌های ازهم‌گسیخته نسل‌های آسیب‌دیده و خشم عمیقی که ستر رشت افراط‌گرایی جدید شد.

اندای «مبارزه با تروریسم» از همان آغاز با تناقض‌های آشکار همراه بود. آمریکا هم‌زمان با جنگ در افغانستان، عراق، روابط استراتژیک با رژیم‌های دیگر که خود حامی گروه‌های افراطی بودند، حفظ می‌کرد. فروش تسلیحات به متحدان منطقه‌ای ادامه داشت و در برخی موارد، سیاست‌های آمریکا به تقویت همان نیروهای انجیمید که قرار بود نابود شوند. تروریسم به پهنانه‌ای ایدئولوژیک تبدیل شد تا حضور نظامی بلندمدت، پایگاه‌های دائمی و کنترل بر مسیرهای انرژی توجیه شود.

امروز، بیش از دو دهه پس از تصویب آن مجوز، هنوز همان سسند مبنای بسیاری از عملیات نظامی آمریکا در منطقه است. هرچیک از اهداف اعلام‌شده محقق نشده است؛ نه تروریسم ریشه‌کن شده، نه ثبات به غرب آسیا بازگشت و امنیت آمریکا افزایش یافت. آن‌چه باقی مانده، ویرانی گسترده، بی‌اعتمادی عمیق و بیش از پیش به غرب و الگوئی از مداخله‌گری است که هرگاه منافع قدرت‌های بزرگ ایجاب کند، بار دیگر با لیبی، تازه ظاهر می‌شود.

۱۴ سپتامبر ۲۳ (۲۳ شهریور ۱۳۸۰) را باید نه روز آغاز مبارزای مشروع، بلکه نقطه شروع رسمی یک پروژه امپریالیستی دانست که تروریسم را پهنانه‌ای برای بازطراحی خاورمیانه قرار داد. تاریخ نشان داد که وقتی قدرتی بزرگ به خود اختیار می‌دهد هر کسی را که «تهدید» تشخیص دهد نابود کند، نتیجه پهنانه‌ای، بلکه چرخش بی‌پایان از خشونت، نفرت و بی‌ثباتی است. غرب آسیا هنوز پهای این «مجوز» را می‌پردازد.

فراتر از کشتار و ویرانی مستقیم، این مجوز به موتور محرک مجتمعات نظامی صنعتی آمریکا تبدیل شد. شرکت‌های پیمانکاری خصوصی، تولیدکنندگان تسلیحات و شبکه‌های لجستیکی میلیارد‌ها دلار از قراردادهای بی‌پایان جنگ سود بردند. در حالی که هیچ‌گاه باشتگوی شکست‌های استراتژیک یا جنایات میدا نبرد نبودند. جنگ به یک صنعت پایدار بدل گشت که بقای آن دیگر وابسته به تحقق اهداف امنیتی نبود؛ بلکه به سود خود جنگ وابسته شد؛ پدیده‌ای که منتقدان آن را «جنگ برای جنگ» نامیدند.

در نهایت، میراث این سسند نه‌تنها در کشورهای هدف، بلکه در تصفیع نظم حقوقی بین‌المللی نیز نمایان است. آمریکا تا کنیه بر تفسیری یک‌جانبه از حق دفاع مشروع، عملاً اصول منشور ملل متحد را دور زد و الگوئی خطرناک برای سایر قدرت‌ها ایجاد کرد که هرگاه متناقض‌ساز ایجاب کند، می‌توانند با پهنانه‌ای مشابه دست به مداخله بزنند. آن‌چه در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ به نام امنیت به تصویب رسید، در عمل به ابزاری برای اثبات بی‌ثباتی مزمن منطقه و مشروعیت‌بخشی به خشونت ساختاری تبدیل شد که هنوز هم پیامدهای آن ادامه دارد.

زیر دریایی هسته‌ای را کنار نخواهد گذاشت. ژاپن در حالی این مسیر را بررسی می‌کند که در جنوبی نیز با موافقت واشنگتن در حال پیگیری ساخت زیر دریایی هسته‌ای قرار است.
چراغ سبز آمریکا به متحداش در شرق آسیا را بخشی از استراتژی مهم توان دریاوی و هسته‌ای چین می‌داند؛ رویکردی که می‌تواند به تشدید رقابت تسلیحاتی و افزایش تنش‌ها در منطقه هند و اقیانوس آرام منجر شود. این تحول همچنین تا توجه به حضور روسیه و کره شمالی، با حساسیت مسکو و پکن دنبال می‌شود.



کیهان

صفحه ۸

رئیس مرکز توسعه دانشگاه کلمبیا:

استقلال طلبی، تنها جرم ایرانی‌هاست

آمریکا به هیچ تفاهمی پایبند نمی‌ماند



قدرت رسانند، در محدوده امپراتوری آمریکا قرار دادن. این وضعیت ترامپ در حمله به ایران، ثروت مردم آمریکا را به باد خواهد داد و نتیجه‌ای نیز در نهایت به دنبال نخواهد داشت.

هدف واقعی آمریکا از جنگ علیه ایران

مدیر مرکز توسعه پایدار دانشگاه کلمبیا در مصاحبه جدیدی که با همز کر مطالعات سیاسی و فرهنگی است، وزارت خارجه کشورمان انجام داده است، تأکید می‌کند: راحل جنگ ایران و آمریکا توافق سیاسی رسمی بین دو طرف نیست چرا که آمریکا به هیچ تفاهمی پایبند نبوده و نخواهد بود. «ساکس» در پاسخ به سوالی درباره اهداف آمریکا و اسرائیل در جنگ علیه ایران گفت: «هدف آمریکا هژمونی در جهان، از جمله هژمونی در خاورمیانه است. سیاست خارجی آمریکا بر این فرض استوار است که این کشور باید شرایط را به سایر کشورهای جهان دیکته کند و این موضوع در همه مناطق جهان، از جمله غرب آسیا و خاورمیانه، صدق می‌کند.» او با بیان اینکه «در این منظر، اقدام آمریکا چندان غافلگیر کننده نیست»، گفت: «آمریکا بطور منظم وارد جنگ می‌شود، دولت‌ها را سرنگون می‌کند و سیاست خارجی‌اش ر تغییر رژیم استوار است. هدف آمریکا، برتری یا هژمونی است.»

این استاد برجسته دانشگاه با اشاره به «جرم ایران» برای کسب استقلال خود می‌گوید: «با نگاه امپراتوری آمریکا، ایران پس از سال ۱۹۵۲، زمانی که آمریکا دولت مموکراتیک محمد مصدق را سرنگون کرد و یک حکومت پلیسی را به

سرویس خارجی-

سی‌ان‌ان در گزارشی با موضوع فروپاشی فوری جبهه نیروهای وابسته به عربستان در یمن، ابعاد تازه‌ای از فساد، سوءمدیریت و اختلافات داخلی این نیروها را فاش کرده است، جبهه‌ای که به گفته منابع غربی، بخش عمده‌ای از نیروهای ثبت‌شده آن صرفاً روی کاغذ وجود داشته‌اند!

مقاومت یمن در بیش از یک دهه گذشته مسیر را پیبوده که بسیاری از محاسبات نظامی و سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌هم ریخته است؛ از به دست گرفتن کنترل صنعا در سال ۲۰۱۴ و فروپاشی ساختار قدرت وابسته به خارج، تا ایستادگی در برابر تجاوز گسترده اتلاف به سرکردگی رژیم سعودی که از سال ۲۰۱۵ با حمایت همه‌جانبه آمریکا و هم‌پیمانی رژیم اپارتاید اسرائیل آغاز شد و با موج حملات هوایی یقفه و محاصره زمینی، دریایی و هوایی همراه بود. این مقاومت نشان داد اراده یک ملت محاصره‌شده می‌تواند معادلات تحمیلی را تغییر دهد. نیروهای مسلح یمن به‌جای فروپاشی، توان بازدارندگی خود را با ساخت و به کارگیری موسسه‌های بانسبت و گروز بومی، توسعه پهنادهای تهاجمی و عملیات‌های دقیق علیه اهداف حیاتی در عمق خاک عربستان از جمله پایتگاه‌ها، فرودگاه‌ها و تأسیسات نظامی بازسازی کردند و هم‌زمان با جبهه‌های زمینی بارها خطوط دفاعی نیروهای وابسته به ائتلاف را درهم کشستند و مناطق استراتژیک را بازپس گرفتند، موفقیت‌هایی که نه پایه پشتیبانی بی‌سابقه گسترده خارجی، بلکه بر بنیان سازمندی مردمی، تجربه میدانی و دانش بومی شکل گرفت و اثبات کرد یوزدهای تحمیلی مکنی بر رات و خالت خارجی قفل شد. اجتماعلی، توان یابیداری ندارند. نیروهای دریایی مستقیم آنان با آمریکا و رژیم اسرائیل هم‌باند که بررسی آن مجالی دیگر می‌طلبد.

انشای فسادِ عظیم

حالا شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی به نقل از یک منبع غربی، پرده را واقعیت تلخ جبهه‌های برباشت که سال‌ها با حمایت مالی و نظامی رژیم سعودی و پشت‌گرمی آمریکا شکل گرفته بود. براساس این گزارش، فهرست‌های ثبت‌شده نظامیان وابسته به دولت مستعفی یمن که تحت حمایت ریاضی قرار داشتند، ملو از اسامی صوری برای دریافت حقوق ماهیانه بوده و تعداد تنها حدود ۲۰ درصد از این نیروها با میدا تخدام شده‌اند. این وضعیت نتیجه سال‌ها فساد اداری ریشدار در میان عناصر وابسته به عربستان است؛ فسادِی که نه‌تنها منابع مالی هنگفت را هدر داده، بلکه بنیانها هرگونه تاب‌آوری واقعی را از درون پوسلده است. سی‌ان‌ان با این افشگری نشان داد که آن‌چه سال‌ها به‌عنوان «ارتش ملی» یا «نیروهای

بیمارستان‌ها را بیش از پیش از پیش نگران‌کننده می‌کند. در واقع، در چنین شرایطی بیمارستان به یک حلقه سیار آسیب‌پذیر تبدیل می‌شود:تخریب زیرساخت، کمبود قطعات، کمبود سوخت و استمرار حملات صهیونیستی به‌کدام باعث تشدید بحران انسانی در این بارکبه می‌شود.

ادامه حملات

در همین حال، حملات نظامیان صهیونیست به مناطق مسکونی فلسطینی قطع نمی‌شود آن هم در ایام آتش‌بس؛ در جدیدترین موج توحش صهیونیست‌ها، نظامیان این رژیم به یک خودرو در جنوب‌غرب شهر غزه را هدف قرار دادند که طی آن دو شهروند به شهادت رسید و شماری دیگن مجروح شدند. در کرانه باختری نیز یورش نظامیان صهیونیست و شهروندان به خانه‌های فلسطینیان ادامه دارد. نظامیان صهیونیست در منطقه جنین با یورش به محله‌های مختلف، خانه‌ها را تفتیش و شماری از فلسطینیان را بازجویی و

هشت فلسطینی را بازداشت کردند. در بیت‌لحم نیز دو کودک فلسطینی ۱۴ و ۱۵ساله در جریان یورش نظامیان صهیونیست بازداشت شدند. سازمان ملل پیش‌تر بارها افزایش شدید کشتار کودکان فلسطینی و حملات شهرکنشیمان هشدار داده است. همچنین کودکانی که در بازداشت رژیم صهیونیستی هستند، با محدودیت دسترسی به وکیل و قطع ارتباط با والدین خود مواجه شده‌اند؛ وضعیتی که بنابر گزارش سازمان ملل نقض کامل حقوق بشر است.

آتش زیر خاکستر

هم‌زمان با تشدید فشار بر فلسطینیان، هشدارها درباره آینده منطقه نیز افزایش یافته است. «بنیل فهمی»، دبیر کل اتحادیه عرب هشدار داده است که اگر وضعیت سرزمین‌های اشغالی فلسطین بدون تغییر باقی بماند، احتمال وقوع یک «هفاجر جدید» در منطقه وجود دارد. فهمی تأکید دارد: «اسرائیل

حتی پیش از حملات اکتبر ۲۰۲۳ نیز می‌دانستیم

که شرایط موجود در نهایت به سمت انفجار پیش خواهد رفت. نقض مکرر توافق آتش‌بس فعلی غزه از سوی اسرائیل، اجرای آن را دشوار کرده است. این در حالی است که فلسطینیان به توافق آتش‌بس غزه پایبند هستند».

از زمان استقرار آتش‌بس ادعایی در غزه از اکتبر ۲۰۲۵ (مهر ۱۴۰۴)، دستکم ۱۳۹۹ فلسطینی کشته شدند. حملات صهیونیست در این باریکه به شهادت رسیده‌اند. دبیر کل اتحادیه عرب معتقد است شرایط کنونی تشکیل کشور مستقل فلسطینی را نسبت به گذشته دشوارتر کرده است. این ازبانیی نشان می‌دهد مسئله غزه صرفاً یک بحران انسانی محدود به مرزهای این باریکه نیست؛ بلکه استمرار آن می‌تواند پیامدهای امنیتی گسترده‌تری برای خاورمیانه به همراه داشته باشد.

یورش به قدس؛ هم‌زمان با فشار بر غزه

در همین شرایط، تحولات مسجداقلاصی نیز بر حساسیت اوضاع افزوده است. در جدیدترین

تخریب زمین‌های کشاورزی مردم سوریه از سوی نظامیان صهیونیست

خود را افزایش داده‌اند. یک گشتی رژیم شامل چندین تانک، نفربر خودرویی نظامی از پایگاه این رژیم در روستای الحمیدیه خارج شده و به سمت روستاهای اقیافا و عین‌الزهریه حرکت کرده است. همچنین پنج خودروی نظامی صهیونیستی وارد روستای رسم سند شدند. اشغالگران صبح یکشنبه نیز با تسلا تک ۱۲ خودروی نظامی و بیش از ۱۰ نفربر به منطقه تل احمر در اطراف عین‌الزهریه حمله کردند. در این میان، وزیر خارج دولت جولانی، نیز در ادامه مواضع مغفلاله خود، بار دیگر تجاوزات تل‌اپو را محکوم کرد.

اذان ظهیر: ۱۲/۰۰ اذان مغرب: ۱۸/۳۱، نیمه‌شب شرعی: ۱۸/۲۳. اذان صبح(فراد): ۴/۲۲، طلوع آفتاب(فراد): ۵/۴۷

ایرلندی‌ها در اعتراض به سفر ترامپ به چینشیدند پرچم آمریکا را به آتش کشیدند



مردم ایرلند در اعتراض به سفر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور جانی‌تکار آمریکا به کشورشان پرچم آمریکا را به آتش کشیدند و آدمک‌های این روان‌پریش را «هوا» کردند.

سفر ترامپ به ایرلند خشم و عصبانیت مردم این کشور را برانگیخت. روز شنبه معترضان در خیابان‌های دوبلین تجمع کردند و مخالفت خود را با حضور او اعلام کردند. معترضان با در دست داشتن برنها و پلاکاردهای مختلف، سیاست‌ها و سوابق سیاسی ترامپ را هدف قرار دادند. روی یکی از برنهاي بزرگ عبارت «به ترامپ خود اشم نمی‌گویم» دیده می‌شد و در کنار آن، پوسترهایی مانند «ترادپرست»، «هنرک نظامیات اقلیمی»، «توانمندساز نسل‌کشی» و «جنگ‌افروز» نوشته شده بود. در میان پلاکاردهای معترضان، شعارهایی درباره پرورنده جفری اسپتین نیز به چشم می‌خورد. برخی تظاهرکنندگان با حمل پلاکاردهایی با مضمون «پرورنده‌های اسپتین را منتشر کنید»، به ارتباطات گذشته ترامپ با اسپتین، مجرم جنسی بدنام، اشاره کردند.

براساس گزارش‌های منتشرشده هه‌زمان با برگزاری تظاهرات گسترده در دوبلین در اعتراض به سفر دونالد ترامپ به ایرلند، گروهی از معترضان ایرلندی را به آتش کشیدن پرچم آمریکا و پرتاب ترقه، علیه حضور نظامیان آمریکایی در این کشور شعار دادند. براساس گزارش‌ها، اعضای گروه موسوم به «قدم‌ضامین‌پالیستی» (AIA) که لباس‌های مشکی بر تن داشتند و صورت‌های خود را با ماسک و عینک‌های تیره پوشانده بودند، پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. اعضای این گروه پس از به آتش کشیدن، پرچم آمریکا چند ماده منفجره کوچک از جمله ترقه پرتاب کردند و شعارهایی علیه حضور نیروهای آمریکایی در فرودگاه دش‌نوشن سر دادند.

طبق گزارش‌های منتشرشده، پلیس ایرلند به گفته ترامپ این تظاهرات در ۴هزار نیروی امنیتی را به کار گرفته است که هزینه آن، بیش از ۲۰ میلیون یورو برآورد شده است.

بریتانیای‌صغیرا

رهبران اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی امروز برای استقلال دور هم جمع می‌شوند

روزنامه انگلیسی تلگراف گزارش داد رهبران سه منطقه تشکیل‌دهنده «بریتانیا» شامل اسکاتلند، ولز و ایرلندشمالی قصد دارند به برگزاری نشست مشترکی در «کاردیف» طرح «تجزیه بریتانیا» را کلید بزنند.

معروف است که آفتاب در سرزمین «بریتانیای کبیر» در دوران اوج استعمارگری آن غروب نمی‌کرد. اما حالا گزارش‌ها حاکی است که ساز تجزیه در سرزمین کوچک‌شده «بریتانیا» هم دوباره کوک شده و در صورت تحقق آن باید بعد از این «بریتانیا» را صغیر نامید.

روزنامه تلگراف نوشته است: وزیران اول سه منطقه تشکیل‌دهنده «بریتانیا» یعنی اسکاتلند، ولز و ایرلندشمالی امروز(دوشنبه) نشستی را با هدف امضای توافقی که قرار است «بریتانیای کبیر» را به دو استیگانه جدا برساند و تجزیه و فروپاشی آن را کلید بزند، برگزار کنند. «تلگراف» با انتشار این گزارش فاش کرد که رهبران استقلال‌طلب این سه منطقه طی این نشست یک «یادداشت تفاهم» را در «کاردیف» پایتخت ولز امضا خواهند کرد. به گزارش ایس‌ان، این روزنامه امضا همچنین نوشته است که این نشست در هتل پنج‌ستاره «سنت دیوید» مشرف به خلیج کاردیف برگزار می‌شود و «جان سویتنی»، وزیر اول اسکاتلند از حزب ملی اسکاتلند، «جشیل لوبیل»، وزیر اول حزب ایرلندشمالی از حزب «شین‌فین» و «هون آب آپوروت»، وزیر اول ولز از حزب «بلاید کامری» از این کشور خواهند داشت. «هری ولز مک‌دونالد»، رئیس حزب شین‌فین و رهبر اپوزیسیون ایرلند، نیز به آنها ملحق خواهد شد.

براساس این گزارش، این سه وزیر اول منطقه‌ای در پایان نشست، یک بیانیه مشترک و تفاهم‌امضا خواهند کرد که در پایان تسرنوشنت مله‌های خود و برگزاری همه‌پرسی استقلال تأکید دارد. این توافق چهار محور اصلی را پوشش می‌دهد: اقتصاد، انرژی، اروپا و همکاری بین‌المللی، و حق تعیین سرنوشت. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که برای نخستین‌بار از زمان خودمختاری مناطق تشکیل‌دهنده این کشور، استقلال‌طلب در هر سه دولت محلی اسکاتلند، ولز و ایرلندشمالی قدرت را در دست دارند.

براساس این گزارش در اسکاتلند، حزب ملی اسکاتلند همچنان خواستار برگزاری همه‌پرسی دوم استقلال است. همه‌پرسی سال ۲۰۱۴ را رأی ۵۵ درصدی مخالفان استقلال شکست خورد، اما ملی‌گرایان می‌گویند شرایط تسخیم‌بار از زمان خودمختاری مناطق تشکیل‌دهنده این کشور، برای سیاسی از آن زمان تغییر کرده است. دادگاه عالی بریتانیا پیش‌تر اعلام کرده بود پارلمان اسکاتلند نمی‌تواند بدون موافقت دولت مرکزی، به‌طور یکجانبه همه‌پرسی استقلال برگزار کند. و ولز نیز حزب ملی «ولز، ایلاید کامری» پس از پیروزی تاریخی در انتخابات ماه می امسال (اردیبهشت)، برای نخستین‌بار اول دولت را از اختیار گرفته است. در ایرلندشمالی نیز مسئله اتحاد با جمهوری ایرلند بار دیگر به موضوعی مهم تبدیل شده است.

ایسن نشست دو روز پس از برگزاری همه‌پرسی می‌شود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در جریان سفر به دوبلین در اظهار نظری که سیگنالی منفی را برای بریتانیا می‌فرستد، ادعا کرده («لایق‌همن» است ایرلند متحد را ببیند. وی الحاق ایرلندشمالی به جمهوری ایرلند را «کاری عالی» توصیف کرد و پرسید: «چگونه می‌تواند باشد؟» با این حال دولت لندن تأکید کرده تا زمانی که اکثریت افکار عمومی از برگزاری همه‌پرسی اتحاد ایرلند حمایت نکنند، چنین رأی‌گیری را برگزار نخواهد شد. براساس توافق‌نامه موسوم به «مجموعه جین»، مسیر بالقوه‌ای برای برگزاری همه‌پرسی اتحاد ایرلند وجود دارد. این توافق‌نامه تصریح می‌کند که در صورتی که «حتمالاً» اکثریت مردم ایرلندشمالی به خروج از بریتانیا رأی دهند، باید همه‌پرسی برگزار شود.



کیهان

روزنامه صبح

صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان

(مؤسسه کیهان)

مدیر مسئول و سر‌دبیر: حسین شرعیتمداری

تلفن: ۳۵۲۰۰ - ۲۵۱۹ - ۳۳۱۱۰

کیهان و خوانندگان ۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵

ارتباط با ما در پیامرسان‌های ایتا و بله:

@kayhannewspaper

صفحات وب: www.kayhan.ir

کد پستی: ۱۱۴۳۸۱۵۹۹

سندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۴۳۱

تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهرعاری